

پیروزی نهایی از آن کارگران و زحمتکشان است!

در طول حیات سیاه و ننگین رژیم جمهوری اسلامی، همواره کارگران و زحمتکشان و مردم ستمدیده و تهیدست برای تحقق خواست های برحق خویش دست به مبارزه زده اند. این مبارزات از نخستین سال هایی که رژیم وابسته شاه به زباله دانی تاریخ سپرده شد در اشکالی متفاوت، مانند اعتصاب، تجمع، راهپیمایی، تظاهرات، بستن جاده ها، حمله به مراکز سرکوب یا در شکل عالی مبارزه نظیر مبارزه مسلحانه توده ای (کردستان)، بی وقفه جریان داشته و همچنان تا پیروزی نهایی ادامه خواهد داشت.

امروز، روزی نیست که حتی در رسانه های خود فروخته جمهوری اسلامی اخباری حاکی از مبارزات کارگران اعتصابی، حمله نیروهای نظامی به کارگران، ماه ها حقوق های عقب افتاده کارگران، خطر اخراج کارگران، جان باختن کارگران به خصوص در بخش ساختمانی، اعتراض بازنشستگان، عدم امنیت شغلی، بازداشت کارگران، تظاهرات علیه خصوصی سازی و اشکال گوناگونی از مبارزاتی که از طرف کارگران و زحمتکشان در جامعه وجود دارد، نباشیم.

کارگران با مبارزات شجاعانه و بی وقفه شان نشان می دهند که به راستی نمایانگر انقلابی ترین طبقه در جامعه هستند. واقعیت این است که مبارزات کارگران و زحمتکشان و اقبال ستمدیده، آینده انقلاب را روشنی می بخشد و نشان می دهد که طبقه کارگر رسالت رهبری جنبش انقلابی توده های ایران برای آزادی، دموکراسی، استقلال، نان و کار را به عهده دارد. البته فقط طبقه کارگر متشکل، مسلح، و مسلط به ایدئولوژی طبقاتی خود قادر به انجام چنین کار سترگی خواهد بود. طبقه کارگر با کسب قدرت سیاسی که از لوله تفنگ بیرون می آید، خواهد توانست مسبب واقعی شرایط ظالمانه کنونی که همانا امپریالیست ها و سرمایه داران وابسته به آنها می باشند را از بین ببرد.

اکنون با نگاهی به مبارزات اخیر سراسری کارگران پالایشگاه های نفت، گاز و پتروشیمی ببینیم که کارگران ایران در چه شرایطی به سر می برند و چگونه در شرایط حاکمیت دیکتاتوری عنان گسیخته جمهوری اسلامی مبارزه می کنند.

اعتصابات کارگران صنایع نفت و پتروشیمی و گاز از روز ۲۹ خرداد شروع شد. کارگران اعتصابی اکثراً کارگران شرکت های پیمانکاری بودند که درست به خاطر طرف قرارداد بودن با شرکت های پیمانکاری حقوق خیلی کمتری نسبت به کارگران رسمی می گرفتند. به همین دلیل هم یکی از مهمترین خواست های آنها قطع دست شرکت های پیمانکاری و افزایش حقوق حداقل هر کارگر به ۱۲ میلیون تومان در ماه بود. این کارگران با توجه به اینکه بیشترشان از شهرهای دور برای کار در جنوب کشور و مراکز نفت و گاز آمده اند خواهان افزایش روزهای مرخصی خود بودند تا بتوانند در زمان مرخصی مدتی کنار خانواده خود باشند. به همین دلیل هم خواهان ۲۰ روز کار و ده روز مرخصی بودند. این خواست ها در کنار مطالباتی مانند پرداخت حقوق های معوقه، ایمن سازی محیط کار و بهبود محل های اسکان و خواب و ارتقاء کیفیت غذا باعث شد که خیلی زود این اعتصاب بار سراسری پیدا کند و کارگران بیش از ۱۰۰ شرکت به اعتصاب برخیزند. در این میان می توان از کارگران شرکت جهان پارس، مجتمع های صنعتی از تهران، کنگان، بهبهان، گچساران، بوشهر، آبادان، اصفهان، کارگران پیمانی و پروژه ایگاز اختر در فاز ۱۳ علسویه و بسیاری از شرکت ها و مجتمع های دیگر نام برد.

طبق معمول کارفرمایان و دولت برای مقابله با مبارزات کارگران شروع به تهدید کارگران و بلند کردن چماق اخراج در همان روز های اول اعتصاب نمودند، به طوری که فقط در پالایشگاه نفت تهران، یک باره ۷۰۰ کارگر را اخراج کردند. با این همه اعتصاب ادامه یافت و کارفرمایان شرکت های پیمانکاری با دادن وعده های دروغین دست به فریب کارگران زدند و سعی در ایجاد تفرقه در اعتصاب آنها نمودند. برخی از شرکت ها پذیرفتند که حقوق ها و روزهای مرخصی را افزایش دهند. به همین دلیل هم کارگران برخی شرکت ها به سر کار بازگشتند. اما خیلی زود فریبکارانه بودن این وعده ها آشکار شد. برای نمونه روز سه شنبه سوم مهر ماه کارگران شرکت فعال که از شرکت های دخیل در پروژه های فاز ۲ علسویه می باشد در اعتراض به وعده های داده شده اما عمل نشده شرکت های پیمانکار، دوباره شروع به اعتصاب کردند. همچنین در روز ۲۷ شهریور شرکت اکسیر و شرکت های دیگر در بخش توسعه فاز ۲ علسویه به دلیل اجرا نشدن طرح بیست روز کار و ده روز مرخصی و اعتراض به اضافه شدن فقط ۱۵ در صد به دستمزدها باز به اعتصاب برخاستند. در ۲۰ شهریور نیز کارگران پیمانی شرکت تولید برق غرب کارون باز به دلیل وعده های عمل نشده شرکت های پیمانکاری دست به اعتصاب زدند.

در این میان، در شرایطی که تعداد زیادی از کارگران حوزه نفت، گاز و پتروشیمی در حال اعتصاب بودند کسری نوری، مدیر کل روابط عمومی وزارت نفت در رابطه با وضعیت کارگران پیمانی و مطالباتشان از پاسخگویی به کارگران سرباز زده و گفت: "اصلاً این شرکت ها به وزارت نفت ارتباطی ندارند و جزو بخش خصوصی محسوب می شوند، برای پیگیری وضعیت هر دسته از کارگران معترض باید با سازمان خصوصی خودشان تماس گرفت نه با وزارت نفت". به این ترتیب وزارت نفت از پذیرش هرگونه مسئولیتی در قبال کارگرانی که در اعتراض به ظلمی که در حق شان اعمال می شود دست به اعتصاب زده بودند، خودداری نمود. توجه ابراز شده توسط مدیر کل روابط عمومی وزارت نفت بار دیگر نقش شرکت های پیمانکاری به عنوان واسطه و سودمندی آنها برای شرکت های بزرگ نظیر شرکت نفت را نشان می دهد.

واقعیت این است که شرکت های پیمانکاری در رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی، وسیله ای برای تفرقه اندازی بین کارگران و ایجاد مانع در مقابل اتحاد و تشکل آنها می باشند و معنای جز برداشتن بار مسئولیت مطالبات کارگران از دوش کارفرمای اصلی ندارند. کارفرمای اصلی، قسمت های مختلف کار در یک واحد تولیدی را به شرکت های مختلف پیمانکاری واگذار می کند و آنها هم کارگران خود را با قراردادهای و حقوق و مزایای دلخواه به کار می گیرند. در نتیجه در یک واحد تولیدی در حالی که همه کارگران در زیر یک سقف کار کرده و استثمار می شوند و به همین دلیل هم باید در مقابل کارفرما صف واحدی تشکیل دهند به دلیل مواجه بودن با کارفرماهای مختلف و دستمزد های متفاوت از هم جدا می شوند و در صف واحدشان شکاف ایجاد می شود. همچنین شرکت های پیمانکاری هیچ کارگری را استخدام رسمی نمی کنند و با تحمیل قراردادهای موقت، در عمل امنیت شغلی آنان را از بین می برند. بدین ترتیب این کارگران در مواردی در عمل نمی توانند از مهمترین مزایای حقوق کارگری مانند حق اولاد، حق مسکن، مزایای دوری از محل زندگی، حق استفاده از شرایط سخت کاری، حق مسکن و یا در رتبه بندی مشاغل استفاده کنند. همچنین در خیلی از مواقع این کارگران از حقوق و مزایایی که به دلیل سابقه کاری شامل آنان می شوند محروم می مانند و یا از دیگر حقوق ها در قانون کار برخوردار نمی گردند.

کاملاً آشکار است که سرمایه داران اصلی از آن رو به شرکت های پیمانکاری متوسل می شوند که این شرکت ها نقش واسطه را بین سرمایه داران و کارگران ایفا می کنند. با وجود شرکت های پیمانکار، سرمایه داران اصلی دیگر به طور مستقیم با کارگران روبرو نمی باشند. از طرف دیگر این شرکت ها بدون ایفای کوچکترین نقشی در روند تولید، به قیمت پایمال کردن حقوق کارگران و تفرقه اندازی در صفوف آنها بخشی از ارزش اضافی کارگران را به جیب می زنند.

همانطور که در بالا به خواسته های کارگران اشاره شد، یکی از خواسته ها و مطالبات آنان که کیلومترها دور از خانواده هایشان در سخت ترین شرایط مشغول کار می باشند افزایش روزهای مرخصی می باشد که خواست ۲۰ روز کار و ۱۰ روز مرخصی در ماه را طلب می کنند. واقعیت این است که این کارگران دور از خانواده در کمپ هایی بسر می برند که وضعیت این کمپ ها از لحاظ امکانات بهداشتی و رفاهی بسیار اسفناک و در حدود صفر می باشد، به طوریکه هر ۱۰ کارگر در یک اتاق ۲۰ متر مربع بر روی زمین که با موکت های نازک و کهنه پوشیده شده می خوابند. سه توالت و دوش برای ۴۰۰ نفر وجود دارد. این کارگران از ساعت شش صبح تا هفت بعد از ظهر، فقط با یک استراحت یک ساعته مشغول کار می شوند آن هم در شرایطی که بسیاری از آنان در دمای بالای پنجاه درجه به کار مشغول هستند. در واقع یکی دیگر از عمده ترین و سخت ترین شرایط کارگران مجتمع های بزرگ پتروشیمی، زندگی در کمپ های پر ازدحام و شلوغ کارگری آنان می باشد که این کارگران همانطور که اشاره شد بدون کوچکترین امکانات بهداشتی و رفاهی در آنها بسر می برند تا جائیکه حتی شب ها در هنگام خواب، بدلیل تعداد زیاد کارگران در یک اتاق با مشکلات زیادی مواجه می گردند.

از دیگر خواسته ها و دلایل اعتراضات مهم کارگران شرکت های پیمانکاری عدم پرداخت حقوق های عقب افتاده آنان می باشد. این کارگران با شرایط سخت، سفره های خالی از نان، گرانی، تورم، فقر و ... باید ماه ها منتظر گرفتن حقوق شان بمانند. مثلاً یکی از کارگران عسلویه در ارتباط با حقوق های عقب افتاده می گوید: من یکی از کارگرانی هستم که در عسلویه مشغول به کار می باشم، روزی که به کار مشغول شدم، گفتند که حقوق برج هفت را که ماه اول کاری من بود، برج ده پرداخت می کنند، چون مجبور بودم، قبول کردم که بعد از سه ماه کار اولین حقوقم را بگیرم. عید که به مرخصی آمدم، بعد از تعطیلات که مشغول کار شدیم هم باز گفتن تا ۹۰ روز از حقوق خبری نیست در حالی که برج سه رو به پایان است من هنوز بعد از مرخصی حقوقی دریافت نکردم و خانواده ام روزهای سختی را سپری می کنند به امید اینکه آخر برج سه به من حقوق بدهند. در حالی که این سه ماه را من با فرض گرفتن گذراندم و به محض دریافت حقوق بخش بزرگی از آن باید صرف پرداخت بدهکاری شود. آیا این انصاف است؟

شرایط بسیار دشوار کارگران عسلیویه را یکی دیگر از کارگران که در اعتصاب به سر می برد چنین توصیف کرده است: "در کمپ ما حدود چهارصد نفر زندگی می کنند. امکانات کمپ ها حداقل هم نیست. چیزی در حدود صفر است. مثلا کمپ ما شامل چهار اتاق است. در هر اتاق، نه نفر کنار هم بر روی کف اتاق با موکت زیر و کهنه پوشیده شده می خوابیم. به هر نفر یک متر جا می رسد و هنگام خواب، ناخودآگاه پای یکی روی سر دیگری می خورد ... در این کمپ چهارصد نفره فقط چهار سرویس بهداشتی و پنج دوش وجود دارد. ساعت شش صبح می رویم سر کار و ساعت هفت عصر کار تمام می شود و تا برسیم به کمپ می شود ساعت هفت و نیم عصر، حسابش را بکنید که بعد از یک روز کار طولانی آن هم در محیط های معمولا آلوده حالا می خواهی لباس های عرق خورده ات را در بیاوری و در حمام، دوش بگیری به هر نفر ۲ دقیقه هم وقت نمی رسد، وقتی یک نفر در حال دوش گرفتن است، ده نفر دیگر در صف منتظر ایستاده اند."

با نگاهی به شرایط سخت کاری کارگران به خصوص در مناطقی مانند عسلیویه که به گفته برخی از کارشناسان از آلودگی هوای بسیار بالایی برخوردار بوده و نفس کشیدن در آنجا بسیار سخت و زیان آور است، وقتی به شرایط اسکان و کیفیت غذای کارگران نگاه می کنیم و یا می بینیم که حقوقی که این کارگران می گیرند در واقع برای هر ربالش ذره ذره سلامتی خودشان را از دست می دهند بیشتر به عمق دناات سرمایه داران و رژیم حامی آنها جمهوری اسلامی پی می بریم. در چنین شرایطی است که جمهوری اسلامی به مثابه رژیم حامی سرمایه داران با ضرب و شتم، اعدام و کشتار کارگران و زحمتکشان و بقیه افشار مردم و کشاندن آنان به بیکاری، فقر، گرسنگی و هزاران مصائب دیگر، هر روز بخش بزرگتری از مردم را به گرداب فقر و فلاکت می کشانند. به همین دلیل هم ما شاهد مبارزات و اعتراضات مردم ایران به خصوص اعتراضات کارگری آنان در سراسر ایران هستیم که زمین را زیر پای این دزدان و جانیان به لرزه در آورده است.

واقعیت این است که کارگران ایران از بدو روی کار آمدن رژیم کارگر ستیز همواره در صحنه مبارزه بوده اند و امروز با اعتصابات و مبارزات و از جان گذشتگی کارگران و زحمتکشان است که قدرت انقلابی و طبقاتی کارگران به شکل کاملا عینی و روشن به جامعه شناسانده شده است. کارگران، این طبقه تا به آخر انقلابی با مبارزات بی وقفه خود و با دست یازیدن به قهر انقلابی و مبارزات انقلابی، همواره جو سیاسی و مبارزاتی را در جامعه زنده نگه داشته اند. امروز نیز ما شاهد اعتصابات و تجمعات وسیع اعتراضی آنان هستیم. کارگران در جریان همین مبارزات اقتصادی و سیاسی شان است که آگاهی طبقاتی خود را هر چه بیشتر ارتقاء می دهند و شاهدیم که رهبران، مبارزان، و سخنگویان آنان در دل مبارزات بی وقفه آنان پرورش پیدا کرده و بیرون می آیند. کارگران در عرصه مبارزات اقتصادی و سیاسی ای که انجام می دهند به قدرت اتحاد خود علیه طبقه سرمایه داران پی می برند و نیاز و ضرورت تشکل جمعی بودنشان را حس می کنند و به قدرت خود بیشتر واقف می گردند. این مبارزات همچنین برای تجربه اندوزی کارگران و رشد آگاهی سیاسی و انقلابی شان مؤثر است و به طور عینی به آنها یادآور می شود که برای نبرد قاطع با رژیم ضد کارگری حاکم، این جرثومه فساد و تباهی راهی جز مبارزه مسلحانه وجود ندارد. کارگران می آموزند که صرفاً مبارزات اعتصابی و اقتصادی با تمام تأثیرات و دست آوردهای مبارزاتی اش، نجات دهنده آنها نخواهد بود. در واقع اعتصاب برای کارگران هنوز پایان کار نمی باشد و آنها برای نابودی سیستم سرمایه داری که دشمن آشنی ناپذیر کارگران می باشد باید بتوانند تشکل های طبقاتی خودشان را به وجود بیاورند. اما رژیم حافظ و مدافع سرمایه داری کنونی در ایران با دیکتاتوری خشن و عنان گسیخته اش راه های مبارزه مسالمت آمیز و یا به اصطلاح مدنی را با هر شکل آن از بین برده و حتی امکان تشکل مستقل کارگران برای تحقق مبارزات اقتصادی آنان را به آنها نمی دهد.

بنابراین، کارگران مبارز در می یابند که باید با تسلیح خود بتوانند به دشمنان طبقاتی شان که تا بن دندان مسلح هستند فائق آیند، چرا که سرمایه داران و حکومت شان دارای نیروهای مسلح و متشکل خودشان می باشد و در نتیجه برای از بین بردن نیروهای مرتجع سرمایه داران، کارگران هم باید بتوانند ارتش مسلح و انقلابی خودشان را بوجود بیاورند. البته واضح است که توسل کارگران آگاه و مبارز به مبارزه مسلحانه به معنی تعطیل مبارزه اقتصادی آنان نمی باشد بلکه بر عکس استفاده از اشکال و شیوه های مختلف مبارزاتی در خدمت تقویت مبارزه مسلحانه آنان قرار خواهد داشت. مسأله این است که طبقه کارگر در ایران باید قدرت سیاسی را به دست خود بگیرد که کسب این قدرت از لوله تفنگ بیرون می آید و از این طریق می توان مسببین واقعی شرایط ظالمانه کنونی در جامعه ایران که سرمایه داران خارجی یعنی امپریالیست ها و سرمایه داران داخلی وابسته به آنها می باشد را از بین برد. وقتی صحبت از سرنگونی رژیم حاکم و رهبری طبقه کارگر به میان می آید باید کارگران انقلابی در راهی قدم بگذارند که از قدرت سلاح خود برخوردار باشند، در چنین شرایطی است که قدرت گیری نظامی کارگران، حتی می تواند نیروهای مسلح را از میان دشمن به پشتیبانی کارگران ملحق کند و به صف انقلاب بکشاند. بر این اساس، کارگران

آگاه و مبارز ایران باید با تحلیل از شرایط خاص جامعه ایران به ایجاد سازماندهی مخفی گروه های سیاسی و نظامی مبادرت کرده و با شیوه های گوناگون، مبارزه ای جدی و مسلحانه مانند حمله به مراکز نظامی و مرکز سرکوب رژیم و شکل های دیگری از مبارزه مسلحانه را در جامعه جهت پیشبرد مبارزه نهایی و انقلاب علیه ضد انقلاب حاکم را به انجام برسانند.

تنها راه رهایی از استثمار و ستم سرمایه داران جنایتکار و اربابانشان کسب قدرت سیاسی توسط طبقه کارگر می باشد و فقط با قدرت گیری این طبقه است که دیگر توده های تحت ستم ایران می توانند از ظلم و تبعیض و مصیبت هائی که امروز بر آنها تحمیل شده نجات یابند.

نابود باد رژیم کارگر ستیز جمهوری اسلامی
رهبری طبقه کارگر، تنها ضامن پیروزی انقلاب در ایران
جمهوری اسلامی دشمن زحمتکشانش، نوکر غارتگران نابود باید گردد

اکبر نوروزی

مهر ۱۴۰۰